

شرح رسالہ حقوق امام سجاد (علیہ السلام)



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق قربانی (۲)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۰۸ / ۱۷



■ جایگاه ویژه قربانی در مناسک حج

■ امتحان سخت حضرت ابراهیم (علیه السلام)

■ قربانی در آیات قرآن

■ قربانی، جزء شعائر محسوب می شود

■ تقوا، مهم ترین مسئله در قربانی

هم کاملاً مسئله به‌روزی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جایگاه ویژه قربانی در مناسک حج

مسئله قربانی جزء مسائلی است که تقریباً با همه‌ی تاریخ انسان همراه بوده؛ لذا جا داشته که به‌طور مستقل اینجا مورد تأکید قرار گیرد. در برنامه حج قربانی نشان ویژه‌ای از آمادگی حاجی برای سرمایه‌گذاری در راه خدا است. گویا حاجی با انجام قربانی اعلام آمادگی می‌کند که مهیا است در راه خدای متعال و تقرب به حضرت حق، از آنچه به او تعلق و دلبستگی دارد، با نماد قربانی بگذرد. نکته جالب اینکه در مسیر برنامه حج، قربانی به نوعی جمع‌بندی مناسک و مَهر قبول حج محسوب می‌شود. در عبارت زیبایی هم که امام (علیه السلام) استفاده کردند: «وَالْتَعَرُّضُ لِرَحْمَتِهِ وَ قَبُولِهِ»

حق قربانی در رساله حقوق، حاوی دو نکته جالب بود. نکته اول اینکه قربانی که بخشی از حج است، به صورت مستقل ذکر شده است و در رساله حقوق با عنوان «حق الهدی» درباره‌اش یک عنوان مستقل قرار دادند. نکته دوم عبارت است از بررسی یک آفت مهم، یعنی تکلف که آن زمان مخصوصاً در ارتباط با قربانی مطرح بوده که می‌خواستند به رخ بکشند و انتخاب‌های بزرگ‌تر داشته باشند، مثلاً شتر قربانی کنند یا اینکه چند قربانی داشته باشند. امام (علیه السلام) فرصت را غنیمت می‌شمردند و موضوع تکلف و تصنع و رفتارهای نامناسبی از این قبیل را نقد می‌کنند. به نظر می‌رسد این موضوع با تطبیق بر مصداق‌های زمان ما

لَا قُتْلَنَكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان؛ هنگامی که [هر یک از آن دو] قربانی‌ای پیش داشتند؛ پس از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [قابیل] گفت: حتماً تو را خواهم کشت. [هابیل] گفت: خدا فقط از تقواییشان می‌پذیرد». این آیه به ما نشان می‌دهد که مسئله قربانی در نسبت بین انسان و خداوند و ارائه یک پیشکش و هدیه کردن چیزی از آنچه دوست دارد در راه خدای متعال، از همان آغاز مطرح بوده است. ضمناً نشان می‌دهد که مسئله قربانی چقدر قدمت دارد. البته اینجا از دو فرزند آدم اسمی برده نشده است. دو پسر آدم که قربانی ارائه کردند، از یکی پذیرفته شد و از دیگری نشد. آنی که قربانی‌اش پذیرفته نشده بود، به خاطر ناراحتی و حسادت، دیگری را به مرگ تهدید کرد؛

کلمه قبول را هم آوردند؛ گویا اگر انسان با اخلاص به وظیفه قربانی عمل کند، مهر تأیید به حش خورده است. نکته دیگر اینکه قرآن کریم در آیات حج به مسئله قربانی بسیار پرداخته و خیلی به آن اهمیت داده؛ لذا باید این مسئله را به طور مستقل بررسی کرد. در سوره مبارکه حج، مسئله قربانی با تعبیر مختلف مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته که نشان‌دهنده جایگاه مهم این موضوع در نگاه پروردگار متعال است. مسئله قربانی به نوعی به مسیر زندگی انسان گره خورده است. اگر بخواهیم یک مثال روشن برایش از قرآن کریم ذکر کنیم، مسئله هابیل و قابیل و ماجرای قربانی آنها است. قرآن کریم در سوره مبارکه مائده آیه ۲۷ این مسئله را مطرح کرده و می‌فرماید: «وَ أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ

قربانی رایج بوده است. در آیات سوره مبارکه حج درباره موضوع قربانی می‌فرماید در همه‌ی امت‌ها آیین قربانی برقرار بوده است؛ منتها در مسیر تاریخ به فراز و نشیب‌هایی مبتلا شده و در کنارش آرایه‌ها و پیرایه‌هایی بسته شده که از بعضی از آنها انسان شرم می‌کند! در بین بعضی اقوام منحرف که گرفتار بت‌پرستی و شرک شده بودند، حتی انسان را قربانی می‌کردند؛ مثلاً در مصر، به دختر جوان نارس بهترین لباس را می‌پوشاندند، کنار رود نیل می‌آوردند و برای خدایانشان قربانی می‌کردند و او را به آب می‌انداختند. در کنار مسئله قربانی چنین چیزهایی هم بوده است.

امتحان سخت حضرت ابراهیم (علیه السلام)

در حج ابراهیمی، در موضوع قربانی به نقطه بسیار حساسی

یعنی قابیل، هابیل را تهدید کرد و گفت: تو را خواهم کشت. او در پاسخ گفت: این مسئله مرتبط با من نیست و من دخالتی ندارم؛ «قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» اینکه این قربانی پذیرفته شده، قانونی وجود دارد و آن اینکه خدای متعال از انسان متقی می‌پذیرد. تقوا در این آیه کریمه به صورت یک قاعده عمومی فراگیر، جامع، با یک ترکیب بدیع، در اسلوب انحصاری ریخته شده؛ لذا معنا آیه این است که فقط و فقط و فقط و منحصرأً خدای متعال از انسان‌های متقی می‌پذیرد. راز مسئله معلوم شد. قرآن کریم در کنار بیان قضایا و ماجراهای گوناگون، قواعد و سنن الهی را هم مطرح می‌کند. اینجا نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» که یک قاعده است که شامل همه‌ی موضوعات، از جمله قربانی هم می‌شود. پس همواره در همه‌ی امت‌ها

الصَّالِحِينَ؛ ای پدر من! آنچه را مأموری بکن، ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت». ادامه آیه کریمه این است: «فَلَمَّا أَسْلَمًا» وقتی این پدر و فرزند هر دو تسلیم امر الهی شدند، «وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ» وقتی که صورت فرزند را به خاک گذاشت و شروع کرد به اینکه فرمان خدای متعال را عمل کند، از امتحان سربلند بیرون آمد و به او خطاب شد که: «قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا؛ رؤیا [خود] را حقیقت بخشیدی»؛ تو به وظیفهات عمل کردی. ما این گونه انسان های شایسته را پاداش می دهیم: «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم» و «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» [۳] و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهانیدیم». اینجا ریشه تازه ای برای حج ابراهیمی که بعدها برای حج اسلامی و محمدی (صلی الله علیه و آله) احیا می شود، گذاشته می شود. در

می رسیم. خدای متعال برای حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) امتحان هایی در نظر گرفت: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ» [۱] و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود». حضرت ابراهیم یک امتحان ویژه هم داشت که شاید در فهرست امتحان ها، از همه دشوارتر بود. فرمان رسید که اسماعیل را ذبح کن. فرزندى که در اوج زیبایی، ادب، فهم، خرد و محبوبیت نزد پدرش است. نکته جالب در آن ماجرا، تسلیم آن دو است؛ وقتی که پدر گفت: «إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ» [۲] من در خواب [چنین] می بینم که تو را سر می بُرم». رؤیای پیامبر، رؤیای صادقه است و حکم فرمان و امر و وحی را دارد. جوابی که از فرزند شنید این بود که من تسلیم و در نهایت ادب و بندگی گفت: «يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنِ شَاءَ اللَّهُ مِنْ

(علیه السلام) دچار آفت شد. در گزارش‌های تاریخی می‌خوانیم که دچار اعوجاج‌ها و بدعت‌های عجیب و غریبی شد. وقتی پیامبر اعظم (صلی اله علیه و آله) مبعوث شدند و آیین و دین خاتم را ارائه کردند، بقایایی از آن سنت‌های الهی در جامعه‌ی آن روز بود، منتها کاملاً با جهل و شرک آمیخته بود. کعبه بود، اما بتخانه بود! آیین‌ها به نوعی گرفتار تحریف‌ها و بدعت‌ها شده بودند؛ از جمله در ارتباط با قربانی. اسلام عزیز آن آیین‌ها را پالایش کرد و حج ابراهیمی با قرائت محمدی (صلوات الله و سلامه علیهما) ارائه شد.

قربانی در آیات قرآن

در آیات سوره مبارکه حج و از جمله آیه ۲۷ آن، خداوند تبارک و تعالی به حج فرمان می‌دهد: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ

فهرست برنامه‌های حضرت ابراهیم (علیه السلام) در مسیر حج، وقتی که گوسفندی با آن کیفیت در کنار این امتحان بزرگ قرار می‌گیرد و ابراهیم (علیه السلام) آن را قربانی می‌کند، در واقع مسئله قربانی به شیوه خاصی همراه با پیام جدیدی برای آیندگان باقی می‌ماند که از این به بعد در تمام آیین‌ها قربانی هست؛ مخصوصاً در آیین حج اسلامی که احیای حج ابراهیمی است؛ با همان اشاره‌ها، نشانه‌ها، اسرار و لطایف. این مسئله به گونه‌ای است که وقتی می‌گوییم قربانی، ذهن‌ها و دل‌ها متوجه حضرت ابراهیم (علیه السلام) می‌شود و انسان می‌داند که این قربانی خاصی که در حج انجام می‌شود، یادآور گسستن از بالاترین تعلقات و نشانه‌ای از تسلیم شدن در پیشگاه پروردگار است. مسئله قربانی بعد از ابراهیم

ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ؛ و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زائران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند، به سوی تو روی آورند». بلافاصله در آیه بعدی می‌فرماید: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ؛ تا شاهد منافع خویش باشند». تا سخن از شهود منافع به میان می‌آید، بلافاصله موضوع بعدی مطرح می‌شود که موضوع قربانی است: «وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ». از آنچه خدای متعال از این حیوانات روزی‌شان کرده، قربانی کنند. بلافاصله می‌فرماید: هم خودتان از این قربانی بهره‌مند شوید و هم به اشخاص گرفتار و فقیر بدهید. قبل از اسلام حرام می‌دانستند که خودشان از گوشت قربانی بخورند؛ اما اینجا می‌فرماید: هم خودتان بخورید و هم به فقرا بدهید.

فرض مسئله، نام خدا را بردن و توجه به حضرت حق و اخلاصی است که امام سجاد

ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ؛ و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زائران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند، به سوی تو روی آورند». بلافاصله در آیه بعدی می‌فرماید: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ؛ تا شاهد منافع خویش باشند». تا سخن از شهود منافع به میان می‌آید، بلافاصله موضوع بعدی مطرح می‌شود که موضوع قربانی است: «وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ». از آنچه خدای متعال از این حیوانات روزی‌شان کرده، قربانی کنند. بلافاصله می‌فرماید: هم خودتان از این قربانی بهره‌مند شوید و هم به اشخاص گرفتار و فقیر بدهید. قبل از اسلام حرام می‌دانستند که خودشان از گوشت قربانی بخورند؛ اما اینجا می‌فرماید: هم خودتان بخورید و هم به فقرا بدهید.

فرض مسئله، نام خدا را بردن و توجه به حضرت حق و اخلاصی است که امام سجاد

الْقُلُوبُ؛ [۶] و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دل‌ها است». همچنین می‌فرماید: «مَنْ يَعْظُمُ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ»؛ [۷] این است [آنچه مقرر شده] و هر کس مقررات خدا را بزرگ دارد، آن برای او نزد پروردگارش بهتر است». ادامه می‌دهیم می‌فرماید: «وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ؛ و برای شما دام‌ها حلال شده است». مسئله قربانی، هم به عنوان تعظیم شعائر آمده و هم به عنوان تعظیم حرمت و اموری که پیش خدای متعال دارای جایگاه رفیع و حرمت و اهمیت خاصی است.

مسئله قربانی در همه‌ی این آیات این‌گونه معرفی می‌شود که باید نام خدا برده شود و به این ترتیب به این اقدام رنگ خدایی زده می‌شود. حاجی جایی که قربانی می‌کند، به یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند توجه پیدا

(علیه السلام) مطرح فرمودند. در ادامه این آیات، مسئله قربانی به عنوان یکی از «شعائر الله» و «حرمت‌الله» مطرح و معرفی شده است. یعنی به عنوان یکی از چیزهایی که پیش خدای متعال جایگاه والایی دارد و محترم است. مسئله قربانی به عنوان یکی از علائم بندگی حضرت حق و نشانه‌های روشن دین مطرح می‌شود و مورد تأکید قرار می‌گیرد.

قربانی، جزء شعائر محسوب می‌شود

جالب است که در یکی از آیات می‌فرماید: «وَ الْيُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ»؛ [۵] و شتران فربه را برای شما از [جمله] شعائر خدا قرار دادیم». خدای متعال، شتر قربانی را جزء شعائر قرار داده است؛ شعائری که خداوند توقع تعظیم آنها را دارد: «وَمَنْ يَعْظُمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى

استفاده کنند. درباره بهره‌مندی فقرا جالب است که در این آیه کریمه تعمیم داده شد: «وَأَطْعُمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ»؛ [۸] و به تنگدست [سائل] و به بینوا [ی غیر سائل] بخورانید». یعنی چه فقیری که دست نیاز دراز نمی‌کند و خودش از شما توقع نمی‌کند، ولی نیازمند است، و چه کسی که طرح نیاز و درخواست می‌کند، همه‌ی آنها را بهره‌مند کنید. بعد به یاد ما می‌آورد: «كَذَلِكَ سَخَّرْنَا لَكُم لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»؛ [۹] این گونه آنها را برای شما رام کردیم، امید که شکرگزار باشید». این قربانی تسلیم شما و در اختیار شما بود. خدای متعال مجموعه‌ای از نیازهای جسمی شما را در این رزقش و در این آیه و نشانه تعبیه کرده و برای شما حلال قرار داده و حتی تسخیرش کرده تا الهامی باشد برای شما که شما هم باید خود را مسخر فرمان خدای متعال قرار دهید. یعنی اینجا

می‌کند که در تمام زندگی از آن بهره‌مند بوده؛ یعنی حیوان حلال‌گوشتی که با نام و اسم خداوند بهره‌مندی از آن برایش امکان‌پذیر شده و بسیاری از قوا، توان و نیرویش را در مسیر زندگی و رشد جسمی‌اش، از رهگذر این رزق الهی داشته است. اینجا همه را به یاد می‌آورد و با نام و یاد خدا، این رزق الهی را در راه خدا تقدیم می‌کند.

مسئله، یاد خدا است که نام و اسم خدا باید در اینجا برده شود و با توجه به حضرت حق، در راه خدای متعال تقدیم شود. به این صورت قربانی جزء نشانه‌های بندگی، اخلاص، دل‌بریدن از تعلقات غیرالهی، و دل‌بستن به حضرت حق مطرح می‌شود.

نکته‌ای که در آیه مطرح شده، عبارت است از اینکه خودتان هم بهره‌مند شوید: «فَكُلُوا مِنْهَا» اجازه داده شده که مؤمنان از گوشت قربانی خودشان

نمی‌رسد: «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دَمًاؤُهَا»؛ [۱۰] هرگز [نه] گوشت‌های آنها و نه خون‌هایشان به خدا نخواهد رسید». از قربانی شما، نه گوشتش و نه خورش به خدا نمی‌رسد. قبل از اسلام، خون قربانی‌ها را به بت‌ها می‌مالیدند. اما قرآن می‌فرماید: «وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ»؛ [۱۱] ولی [این] تقوای شماست که به او می‌رسد». آنی که به خدا می‌رسد، تقوا است. قبلاً هم اشاره شده بود که: «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ [۱۲] این است [فرايض خدا] و هر کس شعایر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دل‌ها است».

التزام انسان، چه به ظاهر دین و چه به باطن دین، چه به ظاهر شریعت که شعائر است و چه به باطنش که عبارت است از رازهایی که در آیین و در برنامه‌های عبادی هست، و همچنین اخلاصش، او را

حالا دیگر نوبت تسلیم شدن شما است. دیدید این حیوان چطور تسلیم و زیردست شما بود؟ دیدید گردن و بدنش تسلیم شما بود؟ این پیام را برای شما دارد که: «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». شما باید اینجا وارد منزل شکر شوید و حالتان حال شکر باشد تا از رهگذر انجام این مناسک، به مقام شاکرین نائل شوید. این شکر عبارت است از تسلیم شدن در برابر فرمان خدا.

مسئله‌ی قربانی در ضمن همه‌ی آیات مربوط به مسئله‌ی حج، با این تعابیر مورد تأکید قرار می‌گیرد.

تقوا، مهم‌ترین مسئله در قربانی

جمع‌بندی بحث اینکه قرآن می‌فرماید چیزی که از این قربانی به ساحت قدس ربوبی می‌رسد، تقوای دل قربانی‌کننده است، والا گوشت و پوست و خون این قربانی به خدا

خداوند تبارک و تعالی را به حق اولیائش و مقربان درگاهش سوگند می‌دهیم که هم توفیق حج مقبول و شایسته به همه‌ی ما کرامت کند و هم از همه‌ی عزیزانی که مشرف شدند، به لطف و کرمش قبول کند. خدا را قسم می‌دهیم به حق اولیائش و به حقیقت حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل و به حق پیامبر و سیدالشهدا (علیه السلام) که دلبستگی‌های دنیایی را از ما دور کند.



به نوری تبدیل می‌کند که اسمش تقوا است؛ آن‌هم تقوایی که در دل انسان متقی مستقر شده و ریشه گرفته است. این موارد است که به ساحت قدس ربوبی تقدیم می‌شود. پس چه چیزی به خدا می‌رسد؟ تقوا. «كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ»؛ [۱۳] این گونه [خداوند] آن‌ها را برای شما رام کرد، تا خدا را به پاس آنکه شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید». تا اینجا شما به خاطر هدایت الهی که خدای متعال شما را به آیین و دین و توحید خودش هدایت کرده، تکبیر می‌گویید و او را بزرگ می‌شمایید. بعد هم می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ» انسان محسن، کسی است که اندیشه نیک و پاکیزه دارد و نیت و رفتار و عملش به حُسن و زیبایی آمیخته است؛ یعنی در همه‌ی بخش‌ها، از زیبایی بهره‌مند است.

منابع و مأخذ

- [۵]. حج: ۳۶.
- [۶]. همان: ۳۲.
- [۷]. همان: ۳۰.
- [۸]. همان: ۳۶.
- [۹]. همان.
- [۱۰]. حج: ۳۷.
- [۱۱]. همان.
- [۱۲]. همان: ۳۲.
- [۱۳]. همان: ۳۷.
- [۱]. بقره: ۱۲۴.
- [۲]. صافات: ۱۰۲.
- [۳]. همان: ۱۰۳ - ۱۰۷.
- [۴]. ایام تشریق (ایام معدودات) روزهای یازده، دوازده و سیزدهم ذیحجه است که حج‌گزاران بخش مهمی از مناسک حج مثل قربانی و رمی جمرات را در این ایام انجام می‌دهند. به همین دلیل این ایام در فرهنگ اسلامی، آداب و جایگاهی ویژه دارند. تشریق، از ریشه شَرَق، در لغت به معنای طلوع خورشید آمده است. بنا بر نظر غالب، چون در این سه روز حاجیان گوشت‌های قربانی را تکه‌تکه و در نور آفتاب خشک می‌کرده‌اند، آن را ایام تشریق نامیده‌اند. به نظر برخی، چون ذبح قربانی فقط در صورت بر آمدن آفتاب جایز است، یا از این رو که حاجیان در ایام جاهلیت می‌گفته‌اند: «أَشْرَقَ ثَبِيرٌ كَيْمٍ أُغْيِرَ؛ ای ثبیر (نام کوهی در مکه) در نور آفتاب داخل شو تا قربانی کنیم»، این ایام را تشریق گفته‌اند.





افوغها: درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت
OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

اشنبه‌ها ساعت ۱۸

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

